



چاپ دوم

بیونگ یانگ

سفری به کره ی شمالی
گی دولیل عاطفه احمدی



ممنونم.

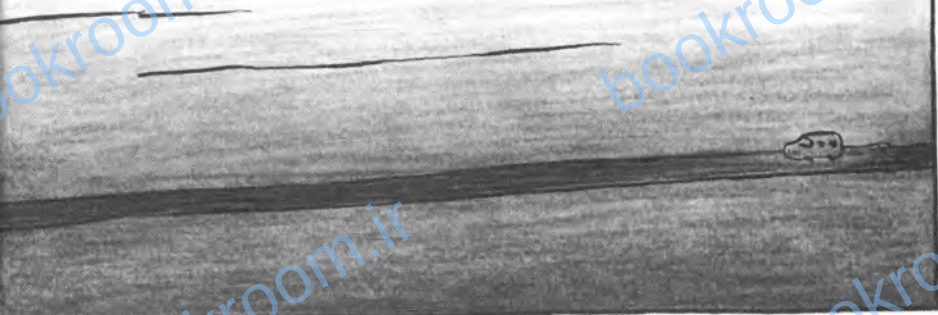


چقدر
قشنگن

راننده به من
دسته‌گلی
می‌دهد که
می‌دانم در اصل
برای من نخریده.
قبلاً دفترچه
راهنماهای
مخصوصی به
من داده‌اند تا
برای سفرم آماده
شوم.



پیدا شد:
داروهائیان را با خودتان بیاورید.
از آب لوله‌کشی ننوشید.



رفت و آمد:

تمام رفت و آمدها باید با ماشین استودیو و همراه با یک مترجم یا راهنما انجام بگیرد.
روزهای یکشنبه هیچ خودرویی در اختیارشان نیست.
فقط نهادهای غیردولتی به خودرو و رفت و آمد نامحدود دسترسی دارند.
شب‌ها برق قطع است.



وسایل مجاز:

نوار کاست.

سی دی پلیروسی دی.

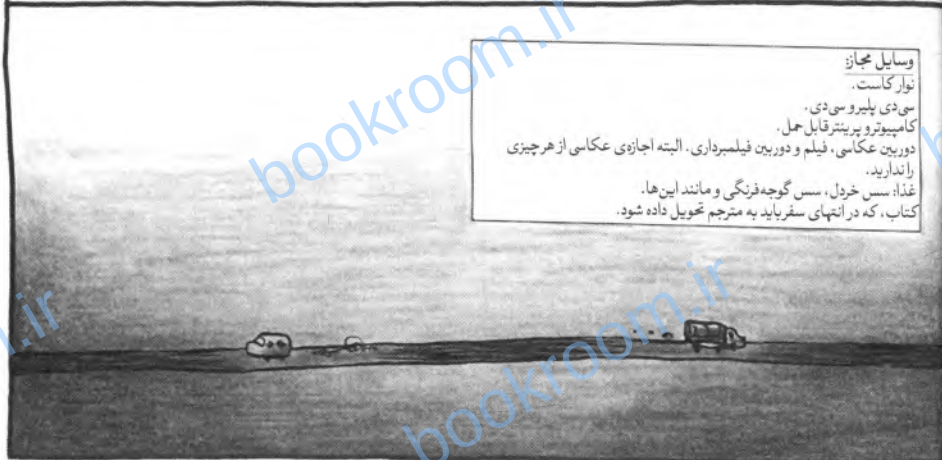
کامپیوتر و پرینتر قابل حمل.

دوربین عکاسی، فیلم و دوربین فیلمبرداری. البته اجازتی عکاسی از هر چیزی

راننداری.

غذا: سس خردل، سس گوجه فرنگی و مانند این ها.

کتاب، که در انتهای سفر باید به مترجم تحویل داده شود.



وسایل غیر مجاز:

تلفن همراه (در فرودگاه از شما گرفته و هنگام خروج به خودتان تحویل

داده می شود).

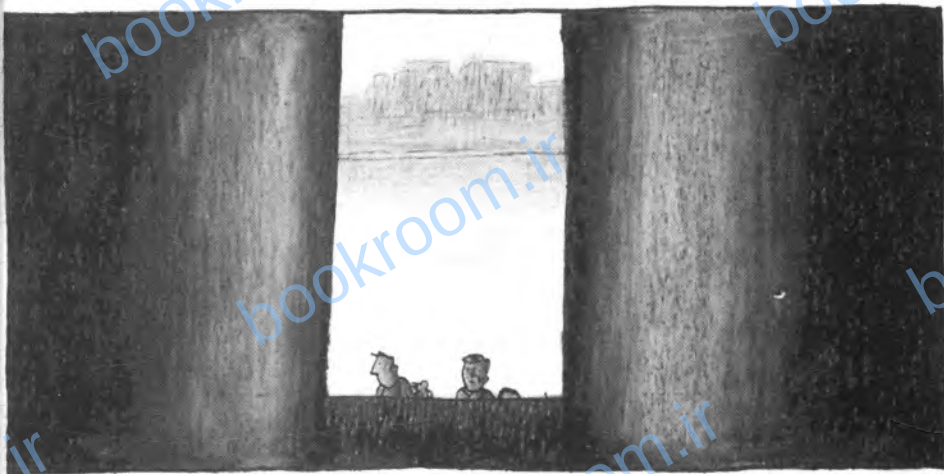
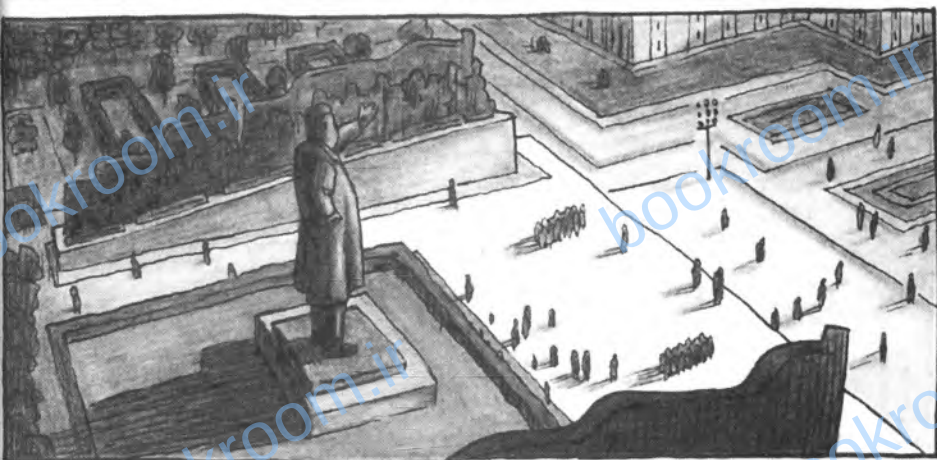
هرشکل از پورنوگرافی.

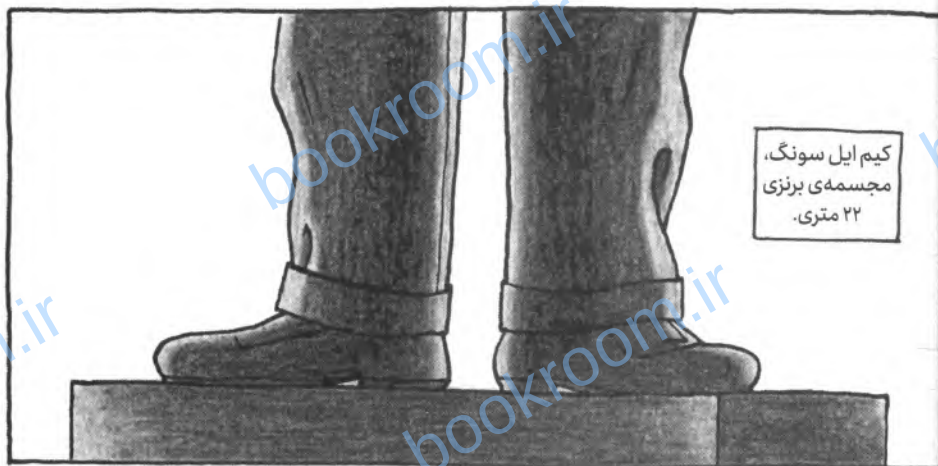


شیوه‌ای زندانه برای توقف در مسیری که
حضور در آن برای تازه‌واردها اجباری است،
البته بدون این‌که قصدش را آشکار کند.



راهنما پیشنهاد می‌دهد به بام شهر برویم تا
پیش از رفتن به هتل، از منظره لذت ببریم.





کیم ایل سونگ،
مجسمه‌ای برنزی
۲۲ متری.



به چشم بازدیدکنندگان بیشتر شبیه
رودرو شدن با مجسمه‌ای بی تناسب و
عظیم‌الجثه از پدر خلق است



که گرچه زنده نیست
(۱۹۹۴-۱۹۱۲) هنوز رئیس جمهور
به حساب می آید.

امم... الان برنامه چیه؟ مطمئن
نیستم بعدش قراره چه اتفاقی بیفته.

یا خود خدا...
چقدر گنده است!



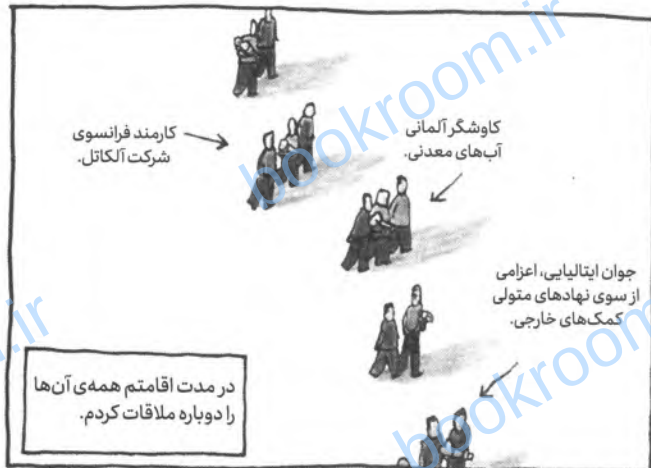
نکات متفرقه:

هیچ کاری را بنا به تصمیم خودتان
انجام ندهید، در هر شرایطی به راهنما
یا مترجم تان رجوع کنید.

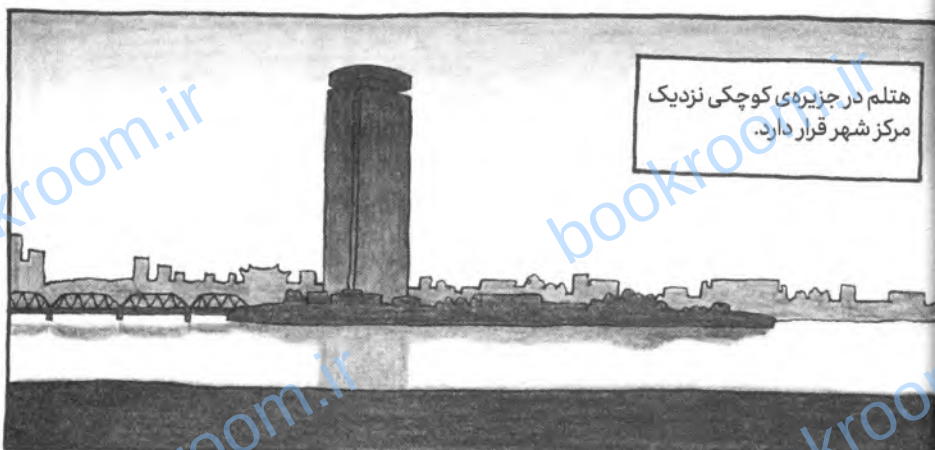
کارهای ممنوعه:

هرگز یا رهبر بزرگ یا رهبر عزیز شوخی
نکنید و همیشه به آن‌ها احترام بگذارید.

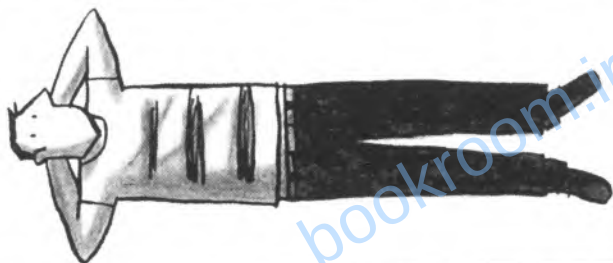
یا خدا! چه کاراکه به انیماتور
واسه به لقمه نون نباید بکنه.



به پارکینگ که برمی‌گردیم،
تک‌تک خارجی‌های دیگری
را هم که در پرواز بودند،
به همراه راهنماهای
مخصوص‌شان می‌بینم.



کهری شمالی منزوی ترین کشور جهان است. خارجی های کمی واردش می شوند. اینترنت ندارند، کافه هم همین طور. در واقع، هیچ تفریحی وجود ندارد. حتی بیرون رفتن از هتل هم کار آسانی نیست و دیدن کهرای ها کمابیش ناممکن است.



تق تق

آقای دولیل؟ آماده این
بریم استودیو؟

خب این طوری به نظر
می آمد اما اشتباه
می کردم، که همین
نشان می دهد آدمیزاد در
سفر باید خودش را برای
همه چیز آماده کند.



شانس آورده ام که به تنهایی
عادت دارم، چون گویا این جا
خبری از سرگرمی نخواهد بود.



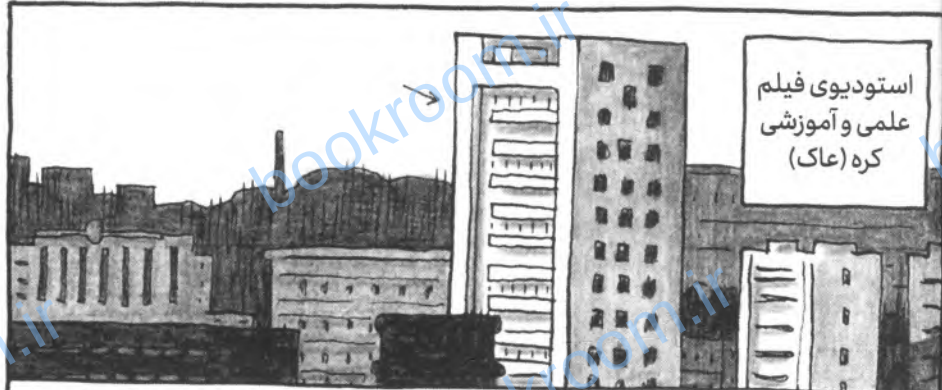
یه کم... البته همه
می شناسنش دیگه، مگه نه؟

شما مارکس رو
می شناسین؟
چه عالی.

هی، این کارله که عکسش
اون بالاست؟

اوه نه، خیلی از
کاپیتالیست ها
نمی شناسنش.

جدی می گم.



به احتمال زیاد در ابتدا بنا بوده استودیو به توده‌ی مردم آموزش بدهد اما این روزها بیشتر برای جذب سرمایه‌های خارجی - اکثراً هم فرانسوی - از آن استفاده می‌شود.

